

## تحلیل انتقادی احادیث تبارشناسی الیاس علیه السلام

دکتر علی راد<sup>۱</sup>

### چکیده

در تبارشناسی پیامبران نسب، اسم و زیست پیامبران بازکاوی می‌شود. نتایج تبارشناسی در رسالت‌شناسی پیامبران تأثیر مستقیم دارد و در نفی و اثبات برخی از انگاره‌ها و آموزه‌ها از آنان اثرگذار است و گاهی نیز به تصحیح نگره‌ها در رسالت‌شناسی آنان یاری می‌رساند. در این پژوهش، تبارشناسی الیاس علیه السلام در سه محور نسب، اسم و حیات وی بر پایه داده‌های منابع اسلامی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. منابع اسلامی دو نسب برای الیاس علیه السلام بیان کرده‌اند که هیچ‌کدام کامل نیستند و هر کدام کاستی خود را دارند. در نسب الیاس علیه السلام حضور یوشع بن نون و اتصال وی از طریق افرائیم بن یوسف نکته مهمی است که در انساب وی مغفول مانده است. اسم الیاس عبری است و نگره اشتقاق عربی آن با مناقشات زبان‌شناسی و تاریخی روبه‌روست. با استناد به سیاق آیات، الیاسین در قرآن همان الیاس علیه السلام است. مستندات زنده بودن الیاس علیه السلام با مناقشات سندی و محتوایی همراه است و محققان مسلمان بر موت ایشان اتفاق نظر دارند. از این رو، رسالت غیبی - پصاصعود الیاس علیه السلام مقبول سنت اسلامی نیست.

**کلیدواژه‌ها:** الیاس علیه السلام، تبارشناسی، اسم‌شناسی، رسالت‌شناسی، روایات تاریخی.

۱. دانشیار دانشگاه تهران (پدیس فارابی) [ali.rad@ut.ac.ir](mailto:ali.rad@ut.ac.ir)

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۴.

## درآمد

پژوهش بر پایه الگویی جامع و مانع از ضرورت‌های مطالعات ادیبانی، به‌ویژه پیامبرپژوهی است. در این الگو، تبارشناسی و بوم‌شناسی پیامبران از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا با اصالت و هویت تاریخی آنان در پیوند است و بررسالت‌شناسی آنان تقدم و اولویت دارد و نتایج آن در زدودن تردیدها و پاسخ به شبهات علیه شخصیت تاریخی آنان سودمند است؛ گاه نتایج تبارشناسی در رسالت‌شناسی پیامبران تأثیر مستقیم دارد و در نفی و اثبات برخی از انگاره‌ها و آموزه‌ها از آنان اثرگذار است؛ گاهی نیز به تصحیح نگره‌ها در رسالت‌شناسی آنان یاری می‌ماند. در تبارشناسی نسب، اسم و زیست پیامبران و در بوم‌شناسی منطقه جغرافیایی و دوره تاریخی رسالت آنان بازکاوی می‌شود که گاه نیازمند مطالعات باستان‌شناسی، جغرافیا و دانش‌های وابسته به آن دو است. در این پژوهش، تبارشناسی الیاس در سه محور نسب، اسم و حیات وی بر پایه داده‌های منابع اسلامی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. افزون بر سودمندی و اهمیت نتایج این پژوهش در رسالت‌شناسی الیاس، درباره شخصیت وی در منابع اسلامی ابهام‌ها و چالش‌هایی وجود دارد که انجام این پژوهش را ضروری می‌نماید؛ برخی شخصیت الیاس را با ادریس علیه السلام یا یحیی علیه السلام یکسان دانسته‌اند؛ ساختار زبانی اسم الیاس را عربی دانسته و مبتنی بر آن، تحلیل‌های خاصی از شخصیت وی ارائه کرده یا مدعی شده‌اند که الیاس علیه السلام اکنون زنده است و رسالتی غیب‌گون دارد. برای رفع این چالش‌ها، لازم است بر پایه روایات اسلامی به پرسش‌های ذیل پاسخی محققانه داد:

- نسب دقیق الیاس علیه السلام چیست و راهکار رفع اختلاف از گزاره‌های انساب وی کدام است؟

- دیدگاه صحیح در تعریب یا عربیت اسم الیاس کدام است و رابطه آن با الیاسین چیست؟

- نگره زنده بودن الیاس علیه السلام بر چه ادله‌ای استوار بوده، چه نقدهایی بر آن وارد است؟ بی‌شک پاسخ به این پرسش‌ها در تصویر ذهنی ما از شخصیت الیاس علیه السلام و سپس

در رسالت شناسی وی اثرگذار است. پژوهش حاضر تلاش دارد بر پایه منابع اسلامی و گاه استفاده از داده‌های کتاب مقدس، نگره‌های رایج میان دانشوران مسلمان در سه پرسش مذکور را بازپژوهی و ارزیابی کند. روش پژوهش، تحلیلی-انتقادی است و در تقریر نگره‌هایی طرفی رعایت شده است. به لحاظ پیشینه پژوهش، مقاله «رسالت‌شناسی الیاس در ادیان ابراهیمی» (قاسمی و سلیمانی، ۱۳۹۵: ۵۵-۸۲) قابل ذکر است؛ فارغ از امتیازهای متعدد این مقاله در بازشناسی ابعاد رسالت الیاس نبی، شاید بتوان آن را از آغازین پژوهش‌های ادیبانی به زبان فارسی در الیاس‌شناسی معرفی کرد که با ساختار علمی و روشمند و رهیافتی تطبیقی از نگاه کتاب مقدس و قرآن به بازشناسی و تحلیل نبوت الیاس پرداخته است. نوشتار حاضر استدراکی است بر محورهایی از مقاله مذکور که شایسته بود بیش از این واکاوی می‌شد. بخشی از استدراک حاضر، رویکرد انتقادی به برخی از آرای مقبول در مقاله مذکور دارد و بخشی از آن رویکرد تکمیلی به برخی از محورهای مقاله یادشده، که در بازشناسی رسالت الیاس (علیه السلام) مغفول مانده است. امید است استدراک حاضر به توسعه و تعمیق در پژوهش ادیبانی معطوف به رسالت انبیای مشترک در قرآن و کتاب مقدس یاری کند.

## ۱. نسب‌شناسی الیاس (علیه السلام)

نسب‌شناسی پیامبران از مهم‌ترین و مقدم‌ترین محورها در مطالعات پیامبرپژوهی است، زیرا با هویت تاریخی آنان در ارتباط است و بر سایر مباحث اولویت دارد. از این رو، لازم است درنگ بیشتر و دقیق‌تر در تحلیل و تبیین انساب آنان صورت گیرد. هر چند انساب همه انبیای ابراهیمی به لحاظ تبارشناسی به ابراهیم و نوح و آن دو نیز به آدم برمی‌گردد، لکن در تبیین تبار پیامبری خاص، لازم است که تبار وی تا جدّ نسبی اعلای ایشان بیان گردد و به بیان کلی از ذریه نوح خودداری گردد، مگر اینکه فاصله نسبی و نسلی وی بسیار نزدیک باشد. مقصود از جدّ نسبی اعلا، حلقه مشترک پیامبر مورد بحث با پیامبری سرشناس است که اتصال نسبی آن با پیامبران پیشین برای ما روشن است؛ برای مثال، درباره الیاس، اگر فرضیه «نواده نوح» را صحیح بپنداریم، باید سلسله انساب

وی تا نوح را با تمرکز بر اجداد پدری اتصال دهنده وی به فرزندان ذکور نوح بر پایه منابع تاریخی معتبر و اقوال انساب شناسان متخصص یاد آور شویم. نویسندگان مقاله «رسالت شناسی الیاس ...» در معرفی نسب الیاس به عبارت «به تعبیر قرآن از نوادگان ابراهیم یا نوح» (قاسمی و سلیمانی، ۱۳۹۵: ۵۶) بسنده کرده و آن را به برخی از تفاسیر شیعی و الکامل ابن اثیر ارجاع داده‌اند؛ یا در جایی دیگر از مقاله به تناقض منابع اسلامی در این همانی الیاس با خضر، یحیی، ذوالکفل و الیسع اشاره شده و در نقد آن به یادکرد مستقل نام الیاس از این پیامبران در قرآن بسنده شده است (همان، ۵۷) بدون اینکه دلیل این تعارض در منابع اسلامی را بررسی یا از ادله دیگری برای استقلال شخصیت الیاس از سایر پیامبران استفاده کند. فارغ از آسیب عدم ارجاع به منابع تخصصی در این موضوع، عدم توجه به انساب الیاس و تبیین و تجمیع آن‌ها یکی از محورهای لازم در شناخت نامه الیاس است که به گونه‌ای شایسته و بایسته در مقاله مذکور بدان پرداخته نشده است، به ویژه آنکه انساب ارائه شده برای الیاس، اختلاف‌هایی جزئی با یکدیگر دارند که نیازمند تحلیل است. در منابع اسلامی دو گونه نسب برای الیاس ارائه شده است:

یک. بر پایه قول منسوب به هشام کلبی، انساب نگار معروف، الیاس علیه السلام از تبار یعقوب بن اسحاق علیه السلام است: «الیاس بن نمیس بن العازر بن هارون بن عمران بن قاهث بن لوی بن یعقوب» (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۹ / ۲۰۶). این نسب به شکل‌های دیگری چون «الیاس بن یسی بن فنحاص بن العیزار بن هارون بن عمران» (طبری، ۱۴۱۲: ۲ / ۸۰۸) و «الیاس بن یاسین بن فنحاص بن العیزار بن هارون» (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۹ / ۲۰۵ - ۲۰۶) نیز گزارش شده است که به نظر می‌آید، دلیل اختلاف آن‌ها با یکدیگر، در تعریب برخی از اسامی اجداد الیاس علیه السلام از عبری به عربی، اختصار بر اجداد اصلی، اکتفا به القاب مشهور آبا و اجداد ایشان باشد.

دو. در برخی از روایات اسلامی (راوندی، ۱۳۷۶: ۲۴۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۱۵۸) و اقوال تاریخ نگاران، الیاس علیه السلام را از نوادگان یوشع بن نون دانسته‌اند (دینوری، بی تا: ۵۱)

که بعد از موسی علیه السلام قوم بنی اسرائیل را در سرزمین شام جای داد؛ یوشع از نسل فرزندان افرائیم بن یوسف علیه السلام است (بلخی، ۱۴۲۳: ۱/۱۵۱؛ همو، ۱۸۹۹: ۳/۶۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲/۸۰۷). بر پایه این نسب، یوشع علیه السلام، جد پدری الیاس می باشد و از طریق یوشع علیه السلام نیز ارتباط نسبی با موسی دارد، زیرا یوشع، خواهرزاده موسی علیه السلام بود که جانشین و وصی ایشان نیز بود.

## ارزیابی

هیچ یک از دو نسب ارائه شده برای الیاس علیه السلام در منابع روایی کامل نیست؛ نسب اول در عدم اشاره به یوشع بن نون به عنوان یکی از اجداد مهم و سرشناس الیاس و رابطه نسبی آن با یوسف دچار کاستی است و نسب دوم نیز در اکتفا به یوشع ناتمام است از این رو در معرفی تبار الیاس بایستی هر دو نسب را تجمیع ساخته، نسبی کامل از الیاس ارائه و برجایگاه یوشع و یوسف در نسب وی تصریح کرد. بر پایه این نسب، الیاس با واسطه یوسف از نسل یعقوب می باشد و دقیق ترین است که وی را از نوادگان یعقوب بدانیم، و نه نوح.

اختلاف انساب مذکور در نام پدر الیاس علیه السلام به شکل های نمیس، یسی، یاسین، یکی از ابهام ها در نسب ایشان است که نیازمند تبیین است؛ به نظر می آید که اصل عبری آن تشبی است که در تعریب به صورت مشابه آن چون یسی یا یاسین - تغییر یافته از یشین - در عربی درآمده است، به گونه ای که برای عرب زبانان خوانش آن آسان باشد؛ البته برخی از اشکال این اسم، همانند نمیس نیز به طور قطع تصحیف یا خطای ناسخ است. همان طوری که کتاب مقدس در معرفی الیاس علیه السلام از ایشان به ایلیم تشبی یاد می کند (اول پادشاهان ۱۷: ۱) که همان الیاس علیه السلام قرآن است، زیرا گزارش کتاب مقدس از موقعیت جغرافیایی، قوم، پادشاه معاصر و وصی الیاس علیه السلام با روایات اسلامی مشترک است. همچنین الیاس علیه السلام نزد انساب نگاران مسلمان نیز به الیاس نشبی مشهور است که تصحیف تشبی است (ابن کثیر، ۱۳۸۸: ۲/۲۴۲) که به اسم پدر ایشان اشاره دارد، زیرا در منابع کهن در اول نسب الیاس علیه السلام چنین آمده است: «الیاس بن تشبیین بن

العازرین الکاهن بن هارون» (بغدادی، ۱۳۶۱: ۳۸۸). برخی نیز معتقدند تشبیه در منطقه جلعاد در شرق اردن است و از این رو، به الیاس، به دلیل تعلق به این منطقه تشبیه گویند (بدرآوی، ۲۰۰۹: ۲۵۶/۵).

در برخی از روایات منسوب به صحابه، الیاس علیه السلام را همان ادريس علیه السلام دانسته‌اند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۹/۲۰۷؛ ابن کثیر، ۱۳۸۸: ۲/۲۴۶) که به طور قطع با قول انساب نگاران، آیات قرآن و موقعیت تاریخی این پیامبر الهی تعارض دارد و دلیل این احتمال ادعای زنده بودن الیاس علیه السلام است که نادرست است که در ادامه مقاله به نقد آن خواهیم پرداخت.

راهکار نسب‌شناسی، استوارترین پاسخ برای زدودن احتمال این همانی الیاس با ادريس و ... است. اسم‌شناسی و شناخت دقیق کنیه‌های پیامبران نیز می‌تواند به نسب‌شناسی کمک کند.

بر پایه قرآن، الیاس علیه السلام از شمار پیامبران است و خداوند وی را به اوصاف متعددی ستوده است (عقیل، ۱۴۳۲: ۱۲۳ - ۱۶۵)، از جمله بر پایه یک نظریه تفسیری در آیه **﴿وَتَرْكُنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ﴾** (صافات / ۱۲۹) نام وی یاد نیکو و زیبای وی را جاودانه ساخته است (بلخی، ۱۴۲۳: ۳/۱۰۶؛ طوسی، بی تا: ۸/۵۲۲ و ۵۲۵). در روایات نیز افزون بر بیان و تکریم تلاش‌های تبلیغی الیاس علیه السلام در اعتلای کلمه توحید، مبارزه علنی با بت‌پرستی، شجاعت وی در شکستن بت بزرگ و معروف به بعل، به عبادت فراوان وی تأکید و از شمار عباد پیامبران بنی اسرائیل یاد شده است (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۲۲۷). کتاب مقدس نیز از مواجهه مستقیم وی با آخاب و نقد ساختار حکومت ظالمانه وی بارها یاد کرده است (اول پادشاهان، ۱۸: ۱۷-۱۸) که شجاعت بی‌بدیل الیاس علیه السلام و حمایت الهی را از ایشان نشان می‌دهد (اول پادشاهان، ۱۸: ۱-۲). از بین بردن انبیای دروغین آخاب، یکی از اقدامات برجسته الیاس علیه السلام است که در تورات و پژوهش‌های کتاب مقدس مورد تأیید قرار گرفته است؛ انبیای دروغین بعل، پیامبران وابسته و برساخته دربار آخاب بودند و آخاب و ایزابل - همسر خون‌ریز وی - از آن‌ها برای فریب

عوام، توجیه مشروعیت بت پرستی، تثبیت پایه‌های حاکمیت، قتل و تبعید پیامبران راستین قوم بنی اسرائیل بهره می‌جست و یکی از موانع جدی و مهم فراروی الیاس علیه السلام بودند. الیاس علیه السلام بعد از فرایند مناظره، محاجه و مباحله با این پیامبران دروغین (اول پادشاهان، ۱۸: ۲۲-۴۰) که در نهایت به اثبات حقانیت الیاس علیه السلام و بطلان ادعای آن انجامید (مجمع‌الکنائس الشریقه، ۳۰: ۱۹۸۱) آن‌ها را به دلیل ادعای نبوت دروغین، ترویج بت پرستی، کشتار پیامبران بنی اسرائیل از میان برداشت (اول پادشاهان، ۱۸: ۴۰). الیاس علیه السلام در منطقه جفاف به نبوت رسید سپس به منطقه صیدا رفت و به تبلیغ خود ادامه داد. محققان مسیر حرکت تبلیغی وی را از جفاف و صیدا به سمت حوریب در صحرای سینا برابر نقشه‌های تاریخی بازنمایی کرده‌اند (مغلوث، ۲۰۰۷: ۱۶۹؛ بدرآوی، ۲۰۰۹: ۲۵۱/۵). دوران نبوت الیاس علیه السلام مصادف با پادشاهی آخاب است که زنی شرور و اهل فساد به نام ایزابل داشت که به دلیل مخالفت و کشتار پیامبران به قتال انبیا شهرت دارد؛ وی دختر پادشاه منطقه صیدا بود، عمر طولانی داشت و با هفت پادشاه ازدواج کرد و گاهی به عنوان جانشین شوهرش حکومت می‌کرد (دینوری، بی‌تا؛ ۵۱) و آخاب به شدت متأثر از وی بود و با حیل‌های مختلف مردان مؤمن و صالح روزگار خویش را می‌کشت (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۱۵۹-۱۶۰). در دوره حکومت آخاب که ۲۲ سال به طول کشید، حیات دینی قوم بنی اسرائیل به انحطاط گرایید و خیلی از مفاسد اخلاقی و اعتقادی میان آنان رواج یافت؛ وی با همکاری همسرش ایزابل و حمایت پیامبران دروغین دربار خویش، بت بعل را در معابد بنی اسرائیل داخل کرد و در این دوره بت پرستی شیوع گسترده‌ای یافت. همسروی، زنی شرور و اهل فساد بود و شماری از پیامبران بزرگ چون یحیی علیه السلام و زکریا علیه السلام را به شهادت رسانید (دینوری، بی‌تا؛ ۵۱) و بر شوهر خود نفوذ زیادی داشت (طبری، ۱۸۷۹: ۱/ ۳۲۵). الیاس علیه السلام بعد از مبارزات فرهنگی و سیاسی رودررو با آخاب پادشاه منطقه شام (بدرآوی، ۲۰۰۹: ۲۵۶/۵-۲۵۷) به دلیل صدور حکم اعدام وی از سوی آخاب (اول پادشاهان ۱۸: ۱۰) در منطقه نزدیک رودخانه هایکریث مخفی شد (اول پادشاهان: ۱۷ / ۲ - ۳). الیاس علیه السلام قوم بنی اسرائیل و

پادشاه منطقه شام را به عمل برتورات و ترک مفاسد اخلاقی و بت پرستی و یگانه پرستی دعوت می‌کرد. برابر برخی از داده‌های تاریخی، الیاس علیه السلام برای تنبّه این قوم از خداوند خواست تا به مدت چند سال باران بر منطقه آن‌ها نبارد تا این قوم دچار اضطراب شده، بدانند که این نعمت‌ها همگی از سوی خداوند است و نه بت‌بعل؛ خداوند درخواست الیاس علیه السلام را پذیرفت و به مدت سه سال، قحطی در میان قوم وی شیوع یافت تا اینکه مردمان به وی روی آوردند و الیاس علیه السلام در احتجاجی با آنان، شایستگی خود را برای نبوت، با اجابت دعایش در بارش باران، به اثبات رسانید و از آنان خواست تا بت‌های خود را از خانه‌هایشان بیرون انداخته، نابود کنند و فقط خداوند یکتا را بپرستند (طبری، ۱۸۷۹: ۱/۳۲۶-۳۲۸). برخی از محققان، این نوع برخورد با فراعنه و آل فرعون را «الأخذ باللّٰهة» نامیده و آن را مستند به آیه «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَدْذَكَّرُونَ» (اعراف/۱۲۰) دانسته‌اند (بدرآوی، ۲۰۰۹: ۵/۲۵۶-۲۵۷). کتاب مقدس نیز این واقعه را گزارش و بر مباحثه و محاجه الیاس علیه السلام با آخاب تصریح کرده است (اوّل پادشاهان: ۱:۱۷). الیاس علیه السلام بعد از آخاب، با پسر وی اخزیا نیز به مبارزه جدی پرداخت و نشانه‌هایی از اعجاز ایشان در برخورد با اخزیا در تورات گزارش شده است (اوّل پادشاهان ۲۲: ۹-۱۴).

## ۲. اسم‌شناسی الیاس

یکی دیگر از مسائل تبارشناسی پیامبران، اسامی، کنیه‌ها و القاب آنان است که گاهی عدم دقت در این مهم، سبب خلط شخصیت آن‌ها با یکدیگر شده است؛ همان‌گونه که درباره الیاس نیز این اشتباه در منابع اسلامی بازتابیده است یا برداشت‌هایی نادرست از نژاد و تبار آنان می‌شود، به ویژه اینکه گاه تعصب عربی برخی از محققان سبب شده است که بوم پیامبری را از طریق اسم عربی آن در قرآن تعیین کنند. درباره الیاس نیز این اختلاف نظر هست و دودیدگاه در تسمیه وی رواج دارد که در مقاله «رسالت‌شناسی الیاس ...» به طرح و ارزیابی هیچ‌یک از این دودیدگاه حتی اشاره نشده و به روایتی از تاریخ مسعودی در بیان چرایی تسمیه وی به الیاس به دلیل اینکه «او



در حال یأس و انقطاع آمد» (قاسمی و سلیمانی، ۱۳۹۵: ۵۷) بسنده گردیده است. از عدم نقد و ارزیابی این روایت، چنین به ذهن خطور می‌کند که مقاله اشتقاق الیاس از ماده یأس را پذیرفته و این دیدگاه با مناقشاتی روبه‌روست. همچنین تقریر دقیقی از پیوند الیاس با الیاسین ارائه نشده و به جمله «و بنا به نظر کسانی که الیاسین را تعبیر دیگری از الیاس می‌دانند» (همان‌جا) اکتفا شده است. این جمله نشان می‌دهد که نویسندگان مقاله مذکور به دیدگاه رقیب در این موضوع توجه داشته‌اند، اما بدان نپرداخته‌اند. اینک دیدگاه‌های رایج درباره خاستگاه زبانی الیاس را تقریر و ارزیابی می‌کنیم و در ادامه نسبت الیاس با الیاسین در قرآن را برمی‌رسیم.

## خاستگاه زبانی الیاس

### عبری تعریب یافته

بر پایه این دیدگاه که لغت شناسان مسلمان و برخی از خاورشناسان به آن باورمندند، الیاس معرب شده از زبان عبری به عربی است و لذا از واژگان دخیل در قرآن می‌باشد (جوالیقی، ۱۹۹۰: ۱۰۲؛ جفری، ۱۳۷۲، ۱۲۹). الیاس تعریب یافته از صورت عبری آن ایلیاه، ایلیاء یا ایلیاهو می‌باشد؛ ایلیا در بخش‌های متعددی از تورات و تلمود به کار رفته است (یزدان پرست، ۱۳۸۰: ۷۳۱-۷۳۶). در قرآن و روایات به جز الیاس، اسم و کنیه دیگری برای ایشان یافت نشد. الیاس صیغه یونانی ایلیا در حالت مرفوع است. در زبان یونانی علامت رفع برای اسم مذکر، اضافه کردن سین در آخر اسم است (بدرآوی، ۲۰۰۹: ۲۵۶/۵؛ ابوسعده، ۱۴۳۲: ۱۶۷/۲). البته برخی از خاورشناسان اعتقاد دارند که صورت عبری الیاس از یک منبع مسیحی وارد زبان عربی شده است. در صورت یونانی، سریانی و حبشی این واژه حرف پایانی سین در پایان آن آمده است (جفری، ۱۳۷۲، ۱۲۹). برخی نیز بر این باورند که حرف سین در زبان عربی در آخر اسم همانند الیاس برای وقف و سکت یا دلالت بر عظمت و زیادت اضافه می‌شود (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۱/۱۲۸)، از این رو، حرف سین در پایان الیاس، جزء اصلی این اسم نمی‌باشد. این تحلیل با صورت عبری و یونانی این واژه قابل جمع است.

## عربی مشتق

دیدگاه دوم الیاس را واژه‌ای عربی و مشتق دانسته و برای توجیه اشتقاق آن، دو احتمال داده است؛

یک) مشتق از یأس و بیس به معنای ناامید در مقابل رجاء است که الف و لام در ابتدای آن اضافه شده است (خلف محمود، ۲۰۰۸: ۵۴-۵۵). مشابه این تحلیل در برخی از منابع روایی بازتابیده و وجه تسمیه به الیاس را این نکته دانسته‌اند که در دوره یأس و انقطاع مبعوث شده است (ابن شهر آشوب، ۱۹۶۵: ۱/۱۵۴).

دو) مشتق از الالیس و بروزن افعالا و به معنای فرد بسیار شجاع است که در جنگ فرار نمی‌کند (طوسی، بی تا: ۸ / ۵۲۵؛ خلف محمود، ۲۰۰۸: ۵۴ - ۵۵).

## ارزیابی

روایت استنادی در بیان وجه اشتقاق الیاس از یأس در حکم خبر واحد است و در مسائل و موضوعات تاریخی و زبان‌شناسی اعتبار این اخبار، محل تردید است، ضمن اینکه خبر مذکور در منابع متأخر روایی و تاریخی گزارش شده است و فاقد معیارهای اعتبار حدیث معتبر می‌باشد.

الحاق الف و لام در ابتدای اسامی و اعلام برای تعریف نیست، زیرا بدون آن نیز معنای روشنی دارند، بنابراین، زائده غیر لازمه است و جز در موارد ضرورت شعری و ادبی، لزومی برای الحاق آن نیست و این ضرورت در مورد الیاس وجود ندارد.

تحلیل اشتقاق الیاس از الالیس فرضیه‌ای صرفی بدون شاهد و قرینه است و دلیل بطلان آن این است که هر دو ساختار اسمی در میان عرب‌زبانان رایج است و شاهد استواری بر اصل اشتقاق آن از این ریشه وجود ندارد و احتمال جامد بودن آن به عنوان علم دخیل در لغت عرب وجود دارد.

حذف و تقدیر در ساختار اعلام و اسامی جز برای تصغیر یا ضرورت زبانی جایز نیست و پذیرش احتمال عربی بودن الیاس مستلزم حذف دوم حرف اصلی از صورت اصلی الیاس است. این تحلیل ضمن تعارض با وجه اول اشتقاق این اسم، غریب و بسیار

کم کاربرد است و این با بلاغت قرآن در کاربرد این اسامی چندان موجه نمی نماید. ادعای عربی بودن الیاس مستلزم شیوع زبان عربی در روزگار و منطقه زیست ایشان بوده و دلایل کافی برای این امر وجود ندارد و ایشان از شمار پیامبران عرب شمرده نشده است.

در نتیجه ادله طرف داران عربی بودن اسم الیاس مورد مناقشه جدی است، پس اعجمی و عبری بودن آن مورد تأکید و مقبول می باشد، همان طوری که شیخ طوسی نیز بر اعجمی بودن آن تصریح دارد (طوسی، بی تا: ۸ / ۵۲۵).

### إِلْيَاسِ بْنِ وَ الْيَاسِ

درباره إلیاسین مذکور در آیه «سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنَ» چندین دیدگاه رایج است: یک. إلیاسین همان الیاس عليه السلام یا ایلیا است و ناظر به شخصیت دیگری نیست؛ دلیل افزودن یاء و نون در آخرین واژه به سبب رعایت وزن و قافیه (جفری، ۱۳۷۲، ۱۲۹؛ مصطفوی، ۱۳۸۸/۲: ۲۴۳) و از سیاق (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۵۴/۶) و نظم آیات نیز برمی آید است که روش عرب در شمار از اسامی الحاق نون یا تغییر در بخش پایانی آن است (ابن کثیر، ۱۳۸۸/۲: ۲۴۳) و از سیاق (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۵۴/۶) و نظم آیات نیز برمی آید که وی همان الیاس در صدر آیات پیشین است (مصطفوی، ۱۳۸۸/۱: ۱۴۱۷).

دو. إلیاسین مخفف ایلیا بن سین دانسته اند که در این صورت، افزوده سین ادغامی از حرف آخر الیاس و سه حرف نخست اسم پدر ایشان می باشد (همان جا). برخی این دیدگاه را ضعیف دانسته و استدلال کرده اند که الیاسین همانند اسرائین یک کلمه بیشتر نیست و افزودن یاء و نون در انتهای آن، بنا بر اقتضات ادبی و بلاغی و از باب قاعده دلالت زیادت مبانی بر زیادت معانی بوده است، بنابراین، قول به دو بخشی بودن آن و دلالت سین به پدر الیاس عليه السلام نادرست است (همان جا).

سه. إلیاسین جمع و ترکیبی از آل یا آل و ایلیا و سین است که در همدیگر ادغام شده و به فرد، قوم و دین آن ها اشاره دارد (تیمی، ۱۹۵۴: ۱۷۲/۲)؛ این سبک در اشعار عرب دیده می شود، همانند «انا ابن سعد اکرم السعدینا / لیس أمیری بالشحیح الملحد» که

السعدینا به قوم ابن سعد و خود وی اشاره دارد (تیمی، ۱۹۵۴: ۱۷۲/۲). بر پایه این دیدگاه در **إِلْیَاسِیْنَ** قوم الیاس نیز در تقدیر است (طوسی، بی تا: ۸ / ۸۲۴). شایان ذکر است که در قرائت **إِلْیَاسِیْنَ** به فتح، یا کسر همزه اول آن و به شکل تفکیک یا ادغام آل با یاسین اختلاف نظرهایی وجود دارد که در برخی از آثار به تفصیل اشاره شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۳ / ۱۱۳-۱۱۴؛ اندلسی، ۲۰۰۱: ۷ / ۳۵۷-۳۵۸). برخی از محققان بر این باورند که تقطیع **إِلْیَاسِیْنَ** به شکل تفکیک الف و لام آغازین آن از یاسین توفیقی است که توسط رسول خدا ﷺ انجام شده و هدف از این اقدام توجه دادن به این مهم بوده است که **إِل** در آغاز **إِلْیَاس**، حرف تعریف نیست، بلکه اسم خداوند به زبان عبری است و دیگر اینکه توهم نشود که الیاس مشتق از یأس عربی است (ابوسعده، ۱۴۳۲: ۲ / ۱۶۷؛ بدرای، ۲۰۰۹: ۵ / ۲۵۶).

## ارزیابی

دیدگاه مقبول اکتفا به قدر متیقن و مشترک هر سه دیدگاه است، که در الیاسین مخاطب اصلی الیاس است، زیرا سیاق و نظم آیات بر این دلالت دارد که شخص دیگری مقصود نیست و نمی توان آن را بر غیر الیاس حمل نمود. افزودن یاء و نون در آخر این واژه، برای رعایت وزن و قافیه یا برای تفخیم و تعظیم ایشان بوده است. شایان یادآوری است، اطلاق الیاسین بر آل محمد مبتنی بر این استدلال می باشد که یس - یاسین از القاب محمد ﷺ است یا اینکه از باب تأویل و بطن قرآنی یا استعمال لفظ در بیش از یک معناست (بلخی، ۱۴۲۳: ۳ / ۱۰۶؛ طوسی، بی تا: ۸ / ۵۲۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۴ / ۴۹۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۸ - ۴۹). البته این دیدگاه در برخی از روایات نیز گزارش شده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۶۵-۱۶۸) و برخی از مفسران تابعی چون کلبی (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۶ / ۳۰۸) و سعید بن جبیر (قرطبی، ۱۹۸۵: ۱۵ / ۴-۵) بر این رأی بودند که یاسین از اسامی محمد ﷺ است و الیاسین به آل ایشان اشاره دارد و در اشعار سید حمیری نیز همین معنا به کار رفته است (قرطبی، ۱۹۸۵: ۱۵ / ۴). این نگره مبتنی بر پذیرش تکرار نزول این آیه در خطاب به رسول خدا ﷺ یا پذیرش

دلالت فراسیاقی و فراتاریخی آیات است که نیاز به مبانی و ادله خاص تفسیری دارد که در جای خود اثبات شده؛ اما ظاهر آیه مذکور به تنهایی و در بافت ادبی و سیاق تاریخی خود به بیش از الیاس دلالتی ندارد.

### ۳. انگاره زنده بودن الیاس علیه السلام

هر چند بر پایه آیات قرآن، سنت الهی بر این است که مرگ در دنیا همه موجودات را فرا می‌گیرد و حتی پیامبران نیز از این قاعده مستثنی نیستند، لکن دیدگاهی بر این مهم تأکید دارد که از میان پیامبران، ادریس علیه السلام، الیاس علیه السلام، خضر علیه السلام و عیسی علیه السلام زنده‌اند و مرگ بر آن‌ها مستولی نشده است. بر این دیدگاه، عدم میرایی این پیامبران، یا به درخواست خود آنان بوده یا لطف الهی شامل حال آنان شده و به حیات جاودانه دست یافته‌اند. روشن است که این فضیلت، در صورت اثبات صحت مستندات آن، می‌تواند یکی از وجوه تفضیل این پیامبران به شمار آید. بر پایه این دیدگاه، الیاس علیه السلام همچنان در قید حیات است، با خضر علیه السلام در ارتباط بوده و ملاقات‌هایی نیز با محمد صلی الله علیه و آله داشته؛ دیدگاهی که در مقاله «رسالت‌شناسی الیاس در ادیان ابراهیمی» بارها مورد تأکید و استناد قرار گرفته و بر اساس آن رسالت‌شناسی غیبی و پسا صعود الیاس ارائه شده است (قاسمی و سلیمانی، ۱۳۹۵: ۷۱، ۷۳). در این بخش، اهم ادله دیدگاه زنده بودن الیاس علیه السلام را که در مقاله مذکور و سایر منابع مورد استناد قرار گرفته، برمی‌رسیم.

### اشارات تورات

یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین ادله دیدگاه زنده بودن الیاس علیه السلام، عباراتی از تورات در بخش بازخوانی داستان پیامبری الیاس علیه السلام است که دست‌مایه طرف‌داران این دیدگاه قرار گرفته است (بدرآوی، ۲۰۰۹: ۲۶۵/۵). بر پایه تورات، بعد از اینکه الیاس علیه السلام، الیسع علیه السلام را ترک کرد، عده‌ای جوای وی شدند، ولی الیسع علیه السلام ابتدا موافقت نکرد، ولی آن‌ها آن قدر اصرار کردند که سرانجام الیسع علیه السلام با جست‌وجوی ایشان موافقت نمود. آن‌ها سه روز به جست‌وجوی الیاس در کوهستان‌ها و دره‌ها پرداختند، ولی اثری از وی

نیافتند. متن تورات موجود در این موضوع چنین است: «درحالی که آن دو - الیاس و الیسع - با هم قدم می‌زدند و صحبت می‌کردند، ناگهان ارابه‌ای آتشین که اسبان آتشین آن را می‌کشیدند، ظاهر شد و آن‌دو را از هم جدا کرد و ایلیا در گردباد به آسمان بالا رفت. الیشع این را دید و فریاد زد: «ای پدرم! ای پدرم! تو مدافع نیرومند اسرائیل بودی!»، پس از آن الیشع دیگر او را ندید. سپس الیشع ردای خود را پاره کرد و ردای ایلیا را که افتاده بود، برداشت و به کنار رود اردن بازگشت و آن را به آب زد و با صدای بلند گفت: «کجاست خداوند، خدای ایلیا؟». آب دو قسمت شد و الیشع از راه خشک وسط آن عبور کرد. گروه انبیای اریحا چون این واقعه را دیدند، گفتند: «قدرت روح ایلیا بر الیشع قرار گرفته است!»، سپس به استقبالش رفتند و او را تعظیم کرده، گفتند: اجازه بفرمایید پنجاه نفر از مردان قوی خود را به جست‌وجوی مولای شما بفرستیم، شاید روح خداوند او را به کوهی یا درّه‌ای برده باشد». الیشع گفت: «نه، آن‌ها را نفرستید»، ولی آن‌ها آن قدر اصرار کردند که سرانجام الیشع با رفتن ایشان موافقت نمود، پس آن پنجاه نفر رفتند و سه روز جست‌وجو کردند؛ ولی ایلیا را نیافتند. وقتی بازگشتند، الیشع هنوز در اریحا بود و به ایشان گفت: «مگر به شما نگفتم نروید؟» (دوم پادشاهان ۲: ۱۶-۱۸).

## ارزیابی

صعود الیاس علیه السلام به آسمان‌ها توسط ارابه آتشین الزاماً تداوم حیات و عدم مرگ ایشان را اثبات نمی‌کند. تعبیر «ارابه‌ای آتشین با اسبان آتشین» دچار ابهام و آمیخته به نوعی اعجاب و اعجاز است که با رهیافت تورات به معجزه الیاس همسویی دارد. تورات معجزه الیاس علیه السلام را آتش و وی را پیامبر آتش معرفی می‌کند که با آن، دشمنان خود را نابود می‌کرد (همان، ۱: ۱۰). احتمال می‌رود این تعبیر در دوره‌های بعد در بازخوانی داستان الیاس علیه السلام در تورات به کار گرفته شده است.

نیافتن الیاس علیه السلام بعد از جست‌وجوی سه روزه نیز هیچ دلالتی بر حیات وی ندارد، در نتیجه، از تورات نمی‌توان استدلال قانع‌کننده‌ای برای زنده بودن الیاس علیه السلام به دست آورد، بنابراین، استدلال به آن برای اثبات حیات الیاس علیه السلام کافی نیست.

## روایات اسلامی

بر پایه برخی از منابع اسلامی الیاس علیه السلام زنده است (دینوری، بی تا؛ ۵۱)؛ تأثیر این نگره، گاه موجب خلط شخصیت الیاس علیه السلام با ادریس علیه السلام (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۷۳/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۰۷/۹) و خضر علیه السلام (سیوطی، ۱۹۸۱: ۳۶۳/۱؛ هندی، ۱۹۸۹: ۷۱/۱۲) شده است، زیرا اعتقاد بر این است که این دو نیز در قید حیات هستند (مجلسی، ۱۹۸۹: ۳۹۶/۱۳) و الیاس علیه السلام هر ساله در موسم حج با خضر علیه السلام ملاقات می کند (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۳۳۳/۱؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۶۱/۱؛ هندی، ۱۹۸۹: ۱۶۵/۱۲) و یک ماه در سال را در بیت المقدس روزه می دارند (ابن کثیر، ۱۳۸۸: ۲/۲۳۲). حتی برخی از صحابه ملاقات الیاس علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله در بازگشت از غزوه تبوک (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۹/۲۱۳؛ هندی، ۱۹۸۹: ۱۶/۱۴) و یک بار در موسم حج (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۲۴۲) را نیز گزارش کرده اند (مجلسی، ۱۹۸۹: ۳۹۷/۱۳)؛ همچنین فردی از فرزندان ابلیس همواره الیاس علیه السلام را در صحرای الرمال می بیند و دیدار با وی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگو کرده است (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۹۷/۵؛ هندی، ۱۹۸۹: ۱۶۵/۶).

## ارزیابی

مستندات روایی دیدگاه زنده بودن الیاس علیه السلام مورد نقد و تضعیف جدی محققان قرار گرفته است. علامه طباطبایی عمده روایات داستان الیاس علیه السلام را آمیخته به عجایب، ضعیف، دچار اختلاف و تهافت و برخی از احادیث شیعی در این موضوع را دچار ضعف و خلاف سیاق داستان وی در قرآن دانسته اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۹/۱۷).

ابن کثیر با استناد به آسیب های سندی و محتوایی، روایات دیدار الیاس علیه السلام با خضر و محمد صلی الله علیه و آله را جعلی دانسته و تلاش امثال حاکم نیشابوری و ابن عساکر را برای تصحیح این احادیث، سست خوانده است (همان، ۲۴۴-۲۴۵). منتقدان این روایات تصریح دارند که الیاس علیه السلام و خضر هر دو از دنیا رفته اند (ابن کثیر، ۱۳۸۸: ۲/۲۴۳) و انگاره زنده بودن الیاس علیه السلام را آمیخته به عجایب و اسرائیلیات، خلاف ظواهر آیات و دچار ضعف در اسناد دانسته اند (همان جا؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۹/۱۷).

عمده روایات زنده بودن الیاس علیه السلام از اهل کتاب نقل شده و مصادر اصلی آن‌ها منابع ضعیفی است و از این طریق در کتاب‌های قصص الأنبياء شیعه و اهل سنت بازتابیده است. پس این اقوال از لحاظ مصدري دچار ضعف جدی است و عمده آن‌ها فاقد سند مسند بوده، روایات دارای سند نیز دچار ارسال یا حضور افراد مجهول‌اند که برخی از محققان به آسیب‌شناسی مصادر و اسناد آن‌ها اشاره و اثر مستقلى در نقدشان تألیف کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۳۶۳/۱).

نگره حیات الیاس علیه السلام، اقتباس از کتاب مقدس است، زیرا برابر کتاب مقدس الیاس علیه السلام به خواست خداوند در اردن به آسمان صعود کرد (دوم پادشاهان ۲: ۱۱). برپایه همین دیدگاه است که ابن قتیبه دینوری الیاس علیه السلام را آسمانی، زمینی و دریایی خوانده است (دینوری، بی‌تا؛ ۵۱).

ظواهر آیات نیز دلالتی بر زنده بودن الیاس علیه السلام ندارد و واقعاً اگر این کرامت درباره ایشان تحقق یافته بود به عنوان یکی از وجوه تفاضل وی بر سایر پیامبران یاد می‌شد. ادعای یکسانی شخصیت الیاس علیه السلام با ادریس علیه السلام و خضر نیز خلاف قرآن، تورات و روایات اسلامی است، زیرا اولاً فاصله تاریخی زیادی میان حیات این سه شخصیت وجود دارد و ثانیاً آیات و روایات صریح در این نکته‌اند که الیاس علیه السلام غیر از ادریس علیه السلام و خضر علیه السلام می‌باشد؛ محققان نقدهای جدی بر این روایات وارد کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۷۳/۱) و تصریح دارند که ادله بر موت خضر علیه السلام و الیاس علیه السلام دلالت دارد (ابن کثیر، ۱۳۸۸: ۲/۲۴۳) و ادعای حیات وی در آسمان‌ها و زمین را بعید و از شمار اسرائیلیات دانسته‌اند (ابن کثیر، ۱۳۸۸: ۲/۲۴۳).

ابن جوزی روایات دیدار فرزند ابلیس و دیگران با الیاس علیه السلام را به دلیل تعارض آن‌ها با آیات و روایات و منکر بودن راوی و اشکالات سندی تضعیف کرده است (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۲۶۳/۱-۲۶۵).

## نتیجه‌گیری

تبارشناسی پیامبران در مطالعات ادیبانی از اهمیت و اولویت برخوردار است، زیرا با



اصالت و هویت تاریخی شان در پیوند است و بررسالت‌شناسی آنان تقدم و اولویت دارد و نتایج آن در زدودن تردیدها و پاسخ به شبهات برضد شخصیت تاریخی آنان سودمند است؛ نتایج تبارشناسی در رسالت‌شناسی پیامبران تأثیر مستقیم دارد و در نفی و اثبات برخی از انگاره‌ها و آموزه‌ها از آنان اثرگذار است؛ گاهی نیز به تصحیح نگره‌ها در رسالت‌شناسی آنان کمک می‌کند. مقاله «رسالت‌شناسی الیاس در ادیان ابراهیمی» در تبارشناسی الیاس دچار کاستی است و تبیین دقیقی از نسب الیاس، تسمیه وی به الیاس و پیوند آن با الیاسین ندارد. رسالت‌شناسی غیبی و پسا صعود الیاس در این مقاله مبتنی بر نگره حیات الیاس است که مستندات آن در نگاه محققان مسلمان دچار ضعف‌های سندی و محتوایی می‌باشد و مرگ الیاس و عدم استثنای وی در این امر، دیدگاه مقبول محققان بوده است.

## کتابنامه

۱. ابن جوزی، عبد الرحمن، *المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۲م.
۲. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، نجف اشرف، الحیدریة، چاپ اول، ۱۹۶۵م.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *قصص الأنبياء*، تحقیق مصطفی عبد الواحد، مصر، دار الکتب الحدیثة، ۱۳۸۸ق.
۴. ابن کثیر، اسماعیل، *البدایة والنهاية*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۹۸۸م.
۵. ابن جوزی، عبد الرحمن، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دارالکتاب، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن عساکر، علی، *تاریخ مدینة دمشق*، دراسة و تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۷. اندلسی، ابوحیان، *تفسیر البحر المحیط*، تحقیق الشیخ عادل أحمد عبدالموجود و...، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۲۰۰۱م.
۸. البدراوی، رشدی، *قصص الأنبياء والتاریخ*، قاهره، مطبعة المجلد العربی، چاپ اول، ۲۰۰۹م.
۹. بغدادی، محمد، *المحبر*، بی‌جا، مطبعة الدائرة، چاپ اول، ۱۳۶۱ق.
۱۰. بلخی، احمد، *البدء والتاریخ*، تحقیق کلیمان هوار، پاریس، برطرنند، چاپ اول، ۱۸۹۹م.

۱۱. بلخی، مقاتل، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۱۲. النیمی ابو عبیده، معمر، *مجاز القرآن*، قاهره، نشر خانجی، ۱۹۵۴م.
۱۳. ثعلبی نیشابوری، احمد، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، تحقیق الإمام أبی محمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۴. جفری، آرتور، *واژه های دخیل در قرآن*، تهران، توس، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
۱۵. جوالیقی، المعزب من الکلام الأعجمی للجوالیقی، دمشق، دار القلم، ۱۹۹۰م.
۱۶. حسکانی، حاکم، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی، تهران، مؤسسه الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۷. حسینی شیرازی، سید محمد، *تقریب القرآن إلى الأذهان*، بیروت، دار العلوم، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۱۸. خلف محمود، باسم، «أسماء الأنبياء في القرآن: دراسة لغوية تحليلية»، *مجلة كلية العلوم الإسلامية*، العدد الثالث، ۲۰۰۸م.
۱۹. دینوری، ابن قتیبہ، *المعارف*، مصر، دار المعارف، بی تا.
۲۰. راوندی، قطب الدین، *قصص الأنبياء*، تحقیق المیرزا غلامرضا عرفانیان الیزدی الخراسانی، قم، هادی، ۱۳۷۶ش.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، *الجامع الصغير*، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۹۸۱م.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۳. طبری، محمد، *تاریخ الطبری*، بیروت، الأعلمی للمطبوعات، ۱۸۷۹م.
۲۴. \_\_\_\_\_، *جامع البيان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
۲۶. عقیل، حسین عقیل، *أيوب وذوالکفل والیاس والیسع من وحی القرآن*، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۳۲ق.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۸. قاسمی، مهدی و حسین سلیمانی، «رسالت شناسی الیاس در ادیان ابراهیمی»، *فصلنامه پژوهش های ادینی*، ش ۷، ۱۳۹۵ش.
۲۹. قرطبی، احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ دوم، ۱۹۸۵م.
۳۰. کلینی، محمد، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۵ش.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۹م.
۳۲. مجمع کنائس الشریقة، *قاموس الكتاب المقدس*، بیروت، مکتبه المشعل، چاپ

- ششم، ۱۹۸۱م.
۳۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، طهران. وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۷ق.
۳۴. مغلوث، سامی بن عبد الله. *أطلس تاریخ الأنبياء والرسل*، الرياض: العبيكان، چاپ هشتم، ۲۰۰۷م.
۳۵. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۳۶. هندي، علاء الدين، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۹م.
۳۷. یزدان پرست، حمید، *داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن*، تهران، اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.